

ادامه از صفحه ۳

میزان اقبال عمومی به اصلاح‌طلبان تغییر کرده‌است؟

...بنابراین باید گفت تصمیمی که اصلاح‌طلبان گرفتند، کار درستی بوده». او در بخش دیگر گفت‌وگویش گفته است: «اصلاح‌طلبی یک جریان فکری و تقریبا جنبشی اجتماعی است». برخی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب در حوزه تصمیم‌های سیاسی، اصلاحات را یک مقوله کاملا سیاسی می‌دانند که باید نتیجه‌اش نیز کسب قدرت سیاسی باشد و می‌گویند که به طور مثال در سال ۹۲ یا ۹۶ گزینه دیگری وجود نداشت، اصلاح‌طلبان راهی جز همراهی با روحانی نداشتند و از سوی دیگر در حوزه اجتماعی، اصلاحات را یک جنبش می‌دانند در صورتی که جمع این دو موضوع با استدلال ناچاری سیاسی منطقی به نظر نمی‌رسد زیرا اگر اصلاحات هنوز یک جنبش اجتماعی است، می‌تواند با بازتولید اندیشه در سطح اجتماعی خود را زنده نگاه دارد نه آنکه مانند امروز حیات و ممات خود را در قدرت سیاسی جست‌وجو کند.

هویت اصلاح‌طلبی

موضوع دیگری که اشاره به آن قابل اعتناست، بحث هویت اصلاح‌طلبی است. روز گذشته اسماعیل گرامی‌مقدم، سخنگوی حزب اصلاح‌طلب اعتماد ملی، گفت «چون اصلاح‌طلبان از انتخابات سال ۸۸ فاصله زیادی گرفتند و در سال ۹۲، ۹۴ و ۹۶ با توجه به مقتضیات زمان و آسیب‌هایی که دیده بودند، نیاز بود که کشور به آزمشی برسد و اصلاح‌طلبان نیز به بازسازی خود دست بزنند؛ بنابراین آن ائتلاف هم در راستای مصالح ملی بود که البته در کنار آن اصلاح‌طلبان خسارت‌هایی از جمله نوتشه‌شدن برخی ناکارآمدی‌ها به پای آنها را نیز متحمل شدند. من معتمد شرایط کنونی اصلاح‌طلبان به نحوی است که ما باید صرفا با هویت اصلاح‌طلبی در انتخابات حضور پیدا کنیم. باید همه احزاب اصلاح‌طلبان با یکدیگر ائتلاف کنیم و نه با جریان‌ات خارج از اصلاحات». معلوم نیست که حمایت اصلاح‌طلبان از روحانی چگونه به حفظ منافع ملی منجر شده و تعبیر منافع ملی چقدر جامع و دقیق است که بتوان حمایت از یک نامزد را مبتنی بر منافع ملی دانست؟ اما وجه مشخص موضوع آن است که اصلاح‌طلبان در سال ۹۲ و ۹۶ برای حفظ منافع اصلاحات از روحانی حمایت کردند که البته این موضوع در صورت کارآمدی دولت می‌توانست بسیار نتیجه‌بخش باشد؛ اما فارغ از بحث اخیر که پیش‌تر مطرح شد، موضوع هویت اصلاح‌طلبی نیز محل مناقشه است؛ به نحوی که هنوز معلوم نیست مانیفست جبهه اصلاحات چیست و در مقام عمل چه تفاوت‌های اجرائی با جناح رقیب دارند؟ بسیاری بر این باورند که جریان اصلاحات که با گفتمان فرهنگی وارد میدان سیاست شد، تفاوتش با رقیب را از جنس گفتمانش می‌گرفت و در شرایطی که این جریان به‌ویژه بعد از سال ۸۸ به سمت جناح سیاسی حرکت کرد و از جریان اجتماعی فاصله گرفت، هویت مستقل فکری خود را از دست داد. البته شاید منظور اصلاح‌طلبان از هویت اصلاح‌طلبی آرایش نیروهای سیاسی موجود در ایران باشد که دراین‌صورت نمی‌توان بر آن عنوان «هویت» را گذاشت و بهتر است از آرایش سیاسی استفاده شود. برای عموم مردم تفاوت چندانی ندارد که چه نیروهایی بر سر کار می‌آیند. معمولا مردم دنبال راه‌حلهای اجرائی برای رفع مشکلات‌اند و در شرایطی که هیچ مانیفستی از سوی گروه‌های سیاسی ارائه نمی‌شود، برنامه‌ها و راه‌حل‌های مشخص آن می‌تواند به جلب نظر مردم بینجامد؛ بنابراین شاید زمان آن رسیده باشد که از بهره‌گیری عناوین عبور کرد و به برنامه‌ها توجه شود.

ضرورت اصلاحات

شاید ابراهیم اصغرزاده در روزهای اخیر که بحث چگونگی حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات مطرح می‌شود، منطقی‌تر از دیگران سخن گفته باشد. او به‌تازگی اظهار کرده است: «جامعه فکر می‌کند اصلاح‌طلبان و اصولگراها دست‌شان در دست هم است. من معتمد هنوز اصلاح‌طلبان، اصولگراها و... قادر به بازسازی است، قادر است. شرایطی ایجاد کند که جامعه اعتماد کند». سخن اصغرزاده مبنی بر این است که اصلاح‌طلبان و اصولگرایان و به طور کلی نیروهای سیاسی باید در رویکردهای سیاسی و اجرائی خود اصلاحات اساسی ایجاد کنند و شاید درست هم همین باشد؛ زیرا تجربه نشان داده است که تغییر گروه‌های سیاسی بدون برنامه‌های دقیق و راهبردی نمی‌تواند برای جامعه مفید باشد. البته این فعال سیاسی در جای دیگری از سخنانش شاهدمثال برون‌رفت از بحران را رأی مردم به روحانی دانسته است که این سخن قابل نقد به نظر می‌رسد؛ زیرا رأی سلبی که در نتیجه نفی نامزد مقابل باشد، نشان از توسعه سیاسی نیست و نمی‌توان آن را به‌عنوان قدمی رو به جلو برای حل مشکلات مردم تلقی کرد. به‌هرروی آنچه به نظر می‌رسد، این است که در شرایط فعلی هویت اصلاح‌طلبی با قرار از مسئولیت دولتی که تحت حمایت اصلاح‌طلبان بوده است، نمی‌تواند منجر به اعتماد عمومی مردم به فعالان سیاسی شود. گرچه نیروهای اصلاح‌طلب نشان داده‌اند که درباره اصولگرایان در حوزه تئوری و عمل کارآمدتر بوده‌اند؛ اما اگر چنین نقایضی به طور واقعی اصلاح نشود، بعید است مردم به طور کامل باز هم «تکرار می‌کنم» را تکرار کنند.



«(سفیر آفتاب)»؛ نکوداشت نخستین بانوی سفیراهل سیستان وبلوچستان

حمیرا ریگی: موفقیت‌م حاصل خرد جمعی است

فرانک آرتا

اسلامی و بیش از همه از مردم شریف و عزیز سیستان وبلوچستان تشکر کنم که باعث شدند چنین تحولات مثبتی در استان اتفاق افتد و زمانی نظیر حمیرا ریگی، مسئولیت‌های ملی به دست آورند. این تحول بسیار امیدبخش و بنیادین است که جنبه ویتربینی و تزئینی ندارد و نشان‌دهنده این است که ما سرمایه‌های عظیمی در بین زنان و مردان در کشور خود داریم که اگر فرصت قائل شویم، این سرمایه‌ها می‌توانند تحولات بزرگی

برای جامعه ما به وجود آورند».

ابتکار افزود: «یکی از ویژگی‌های مدیریت خانم ریگی که از ویژگی‌های مدیریت زنان است و مردان هم به اهمیت آن پی بردند، استفاده از هوش عاطفی و مدیریت الهام‌بخش است. خانم ریگی با جلب مشارکت مردم و روابط عمومی قوی‌ای که داشته، در حل و فصل مناسبات بسیار هوشمندانه و با بهره‌گیری از همان هوش عاطفی عمل کرده است».

عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه هم در ابتدا به مزاح گفت: «خوش به حال خانم ریگی! چون تابه‌حال در وزارت امور خارجه چنین مراسم تجلیلی از من نشده است». او ادامه داد: «امیدوارم سفیر ایران در برونتی همان‌طور که در سال‌های گذشته نمونه یک خانم موفق در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بودند، در عرصه بین‌المللی هم الگویی برای جامعه و بقیه سفرا شوند. ما خانم‌هایی که به نمایندگی از مردم بزرگ ایران در سمت نمایندگی حضور داشته و نماینده شایسته مردم ایران باشند، کم داشتیم و همواره از مرزهای پرماجرا و شرف و جنوب شرق پاسداری کرده‌اند و باید مردم ایران قردان آنها باشند. بنابراین باید این حادثه را ریشه‌یابی و زمینه‌های بروز و رشد این افکار را از کسانی که طراحی کردند و قصد دارند سازمان و مرام داعشی را به خطه بکشاند، شناسایی کرد». حسینی ادامه داد: «استان سیستان وبلوچستان با تمامی تاکید در توسعه، به دلیل تحلیل غلطی که در گذشته بوده و با توجه به دوردست‌بودن، سرمایه‌های عظیمی دارد. یکی از این سرمایه‌ها که باید به طور جدی به آن توجه شود، سرمایه انسانی است. سرمایه انسانی استان وقتی بروز می‌کند که زمینه‌سازی شده و میدان برای آن فراهم شود».

سپس گفت:«خانم ریگی با مسئولیت‌هایی که عهده‌دار بودند، نشان دادند که علاوه بر توانایی‌های روحی، ایمان قوی به کار و تبحر مدیریتی، می‌توانند الگویی برای زنان کشور باشند. ایشان مدتی قبل با وجودی که تصادف کرده بود و در دوره نقاهت قرار داشت، اما باهم از پروژه‌ها بازدید می‌کرد و با مردم دیدار داشت و این برای من بسیار انگیزه‌بخش بود».

در ادامه این مراسم، نسرین بهجتی، شاعر و نویسنده بلوچ، پشت تریبون رفت. این نویسنده تاکنون پنج کتاب منتشر کرده است. شعرهای «لین زت بلوچ» و تاکنون به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه شده و ترانه‌های اخیر «سیمین غانم» از سروده‌های او است. بهجتی با خواندن دو شعر، از حمیرا ریگی به عنوان بی‌همتاترین زن این سرزمین و سفیر صلح و دوستی نام برد.

همچنین معصومه ابتکار، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور، در این مراسم سخنرانی کرد و گفت: «در دوره دولت تدبیر و امید، استان سیستان وبلوچستان در چند موضوع پیشگام بوده و شاید چشمگیرترین نکته به گواه آمار به دور از هرگونه اغراق، تحول عظیمی است که انتصاب زنان در حوزه‌های مختلف است و زنان توانمندی مانند خانم ریگی در معاونت استانداری‌ها، اداره‌های کل و سایر حوزه‌ها منصوب شدند و رتبه استان سیستان وبلوچستان در این رابطه اول است». او افزود: «باید از استاندار سابق و فعلی و همچنین نمایندگان استان در مجلس شورای

سیاست



عکس‌ها، داوود قهرودار جفاران

«(سفیر آفتاب)»؛ نکوداشت نخستین بانوی سفیراهل سیستان وبلوچستان

حمیرا ریگی: موفقیت‌م حاصل خرد جمعی است

انتخاب شده بود. ولی توانمندی‌ها و ظرفیت‌هایی که نشان داد، باعث شد دولت ایشان را به عنوان سفیر انتخاب کند».

فریبا نظری‌پورکیایی، مشاور وزیر کشور در امور زنان و خانواده، نیز در سخنانی از مقام و توانمندی‌های حمیرا ریگی تقدیر کرد. زهرا اربابی، معاون استاندار سیستان وبلوچستان، هم از دستاوردها و سرمایه‌های انسانی استان سیستان وبلوچستان سخن گفت و از دولت تدبیر و امید به دلیل به‌کارگیری زنان و مردان توانمند استان تشکر کرد. مهندس موهبتی، استاندار سیستان وبلوچستان هم در سخنانی ضمن تسلیت بابت شهادت شهدای حادثه تورپیستی اخیر در این استان گفت: «آرزو می‌کنیم ریشه این ظلمی که به مردم سیستان وبلوچستان شده، خشکانده شود. البته اتفاقاتی در دیروز و امروز افتاد که قطعاً حاصل خون آن شهیدان است و امیدواریم در ادامه نیز اتفاقات بهتری بیفتد و مردم ایران را خوشحال کند. روزی که خانم ریگی در سال ۷۹ بخشدار شدند، خیلی‌ها باور نداشتند یک زن بتواند بخشدار شود و اگر موفقیتی برای خانم ریگی حاصل شده، با حمایت همسر ایشان بوده است».

او ادامه داد: «امروز بیش از چندصد خانم در استان عضو شورا هستند و شهردار خانم داریم. در زمانی که آقای علی اوسط‌هاشمی استاندار بودند، معاون استاندار، شهردار و فرماندار و ۶۰ مدیر زن در استان خدمت می‌کردند و امیدواریم این بستر در آینده نیز فراهم شود که انسان‌ها بتوانند به دور از جنسیت، قومیت و مذهب، متناسب با توانمندی‌هایی که دارند، فعالیت کنند».

همچنین در این مراسم از پوری بنایی، بازیگر باسابقه سینمای ایران و نرگس آبیار، کارگردان فیلم «شبی که ماه کامل شد» تقدیر و هدیه‌ای هم به رسم یادبود به آنها اهدا شد. حجت‌الاسلام‌والمسلمین علی یونسی، دستیار ویژه قبلی رئیس‌جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی، نیز اظهار کرد: «وقتی آقای رئیس‌جمهور مسئولیت امور اقوام را به من واگذار کرد، من به اولین کسی که مراجعه کردم، حضرت زهرا بود و از ایشان خواهرش کردم برای رفع تبعیض‌های تحقیرآمیزی که در کشور ما هست، باید شجاعانه تخلیات و توهمات را از بین برده و انتصابات مهمی در همه عرصه‌ها داشته باشند».

او ادامه داد: «من از آقای ظریف قول گرفتم که پنج نفر از زنان اقوام و مذاهب را سفیر کنند. اما تاکنون تنها به دو نفر این جایگاه را داده و اکنون یک زن موفق باشند. شما هستم، بنابر دستور رئیس‌جمهور جمعیت زیادی را به وزارت امور خارجه معرفی کردیم و امیدواریم در دو سال آینده، اقدامات بیشتری در این راستا انجام شود. باید از استاندار سابق آقای علی اوسط‌هاشمی هم تشکر کنم که در سیستان وبلوچستان این سد را کسختند تا دیگران بتوانند بهتر عمل کنند. از خانم ریگی به خاطر شایستگی‌هایی که در سمت مهم فرمانداری داشتند و الان هم تبدیل به نماینده همه مردم و بانوان ایران در کشور برونتی شده‌اند، تشکر می‌کنم».

حمیرا ریگی نیز در پایان این مراسم ضمن اظهار خوشحالی و تشکر عنوان کرد: «صادقانه بگویم که اگر توفیقی در تمام طول خدمتم حاصل شده، منحصر به شخص نیست. امروز بسیاری از اساتید در این مراسم که خود آغازگر تحول در استان سیستان وبلوچستان بوده و زمینه‌ساز حضور اقوام و مذاهب اسلامی در سطح ملی بودند، من را مورد لطف قرار دادند. اما اگر توفیقی به دست آمده، منحصر به شخص حمیرا ریگی نبوده، بلکه حاصل خرد جمعی و حمایت‌های همه‌جانبه همه ارکان نظام جمهوری اسلامی و پشتیبانی بی‌دریغ مردم بوده که تنها در مردم سیستان وبلوچستان خلاصه نمی‌شود. امیدوارم سفیر شایسته‌ای برای کشورمان باشم».

در ادامه مراسم از مهدی رحمانیان، مدیرمسئول روزنامه «شرق» به دلیل پوشش مکرر اخبار استان سیستان وبلوچستان در این روزنامه تقدیر شد. رحمانیان در سخنان کوتاهی عنوان کرد: «ایران، بوم بزرگ ما است و خانم حمیرا ریگی هم نماینده ایران هستند. او نشان داد که اگر فرصت‌ها، هم برای زنان و هم برای مردان این سرزمین فراهم شود، شایستگی این را دارند تا توانایی خود را نشان دهند».

محمدهادی یازای، معاون اسبق شهرداری

تهران، هم عنوان کرد: «من چهار سال قبل زمانی که آقای علی اوسط‌هاشمی استاندار بودند، از شهرهای مختلف سیستان وبلوچستان بازدید داشتم. سرکار خانم ریگی در میان سایر فرمانداران بسیار فعال بودند و هیچ مجموعه‌ای باقی نماند که ایشان ما را برای بازدید به آنجا نبرده باشد. امروز نیز خوشحالم که خانمی برای نمایندگی جمهوری اسلامی در یکی از کشورها انتخاب شده که هم جوان، هم بلوچ و هم اهل تسنن است و از این نظر باید به دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی تبریک گفت. ان‌شاءالله همان‌طور که سرکار خانم ریگی در عرصه داخلی موفق بودند، در عرصه بین‌المللی نیز شاهد توفیقات ایشان باشیم».

مهناز افشار هم به‌عنوان یکی از هنرمندان حاضر در این مراسم، در سخنانی گفت: «بسیار خوشحالم که امشب اینجا حضور دارم. قیل از هر چیز لازم می‌دانم که انزجار خود را از ترور و تروریسم اعلام و خدمت تمام خانواده‌های عزادار تسلیت عرض کنم. من خودم عضو خانواده شهدا هستم. عموی من جانبا ز بودند و چند سال پیش به رحمت خدا رفتند؛ بنابراین ما همه مدیون شهدا هستیم و من برای این بزرگواران احترام زیادی قائل هستم. خوشحالم بابت دیاری اینجا هستم که به آن تعصب داریم. خوشحالم که یک زن از محروم‌ترین مناطق ایران به مدار عالی رسیده و برای شخص خانم ریگی نیز خوشحالم. شاید اینجا وقت مناسبی برای انتقادها و بیان وعده‌ها نیست؛ اما ما امشب برای شما اینجا هستیم و من نیز برای شخص شما اینجا آمده‌ام؛ زنی که با تکیه بر شایستگی‌های خود به اینجا رسیده و نماینده تمام زنانی است که در ساختار اجرائی و قدرت کشور انجام وظیفه می‌کنند و حتی نماینده زنانی با انبوهی از مشکلات هستید که با محدودیت‌هایی مانند تبعیض‌های جنسیتی، سهمیه‌بندی در دانشگاه و استخدام، ورود به ورزشگاه‌ها و خیابان‌ها مواجه هستید. شما برای ما می‌توانید نماد یک زن موفق باشند».

او ادامه داد: «همچنین باید بگویم شما از جایی می‌آیید که به‌ناحق در محدودیت و محرومیت نگه داشته شده و به جای رسیدگی به این محرومیت‌ها و مشکل آب و نان مردمش، گاهی تصاویری می‌سازیم تا سهم‌مان را از محرومیت آن مردم فراموش کنیم. امیدوارم روزی برسند که به سیستان وبلوچستان نگاه جدی‌تری کنیم و آن را جزئی از ایران بدانیم».

ابراهیم طاهرخانی دیگر سخنران این مراسم بود که متنی را در حمایت از زنان این مرز و بوم قرائت کرد. فداحسین مالکی هم سخنران دیگر این مراسم بود که در بخشی از سخنان خود بیان کرد: «از زمان مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، ایشان به نوعی سهمیه‌ای برای رئیس‌جمهور و رؤسای‌جمهور بعد از خودش تعیین کرد که تعدادی از افراد بتوانند از بدنه دولت و با دستور رئیس‌جمهور سفیر شوند. اما اتفاقی که در مورد خانم ریگی و آن هم در این دولت افتاد، این بود که ایشان در درون دولت نبود، بلکه تنها به عنوان یک فرماندار

فداحسین مالکی هم سخنران دیگر این مراسم بود که در بخشی از سخنان خود بیان کرد: «از زمان مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، ایشان به نوعی سهمیه‌ای برای رئیس‌جمهور و رؤسای‌جمهور بعد از خودش تعیین کرد که تعدادی از افراد بتوانند از بدنه دولت و با دستور رئیس‌جمهور سفیر شوند. اما اتفاقی که در مورد خانم ریگی و آن هم در این دولت افتاد، این بود که ایشان در درون دولت نبود، بلکه تنها به عنوان یک فرماندار



ادامه از صفحه اول

دامی که نباید در آن افتاد

این تلقی در همان حال که سطحی است و ساخت قدرت در پاکستان و عدم اقتدار کامل آن را در ایالت بلوچستان هم‌جوار با استان سیستان وبلوچستان در نظر نمی‌گیرد و تفاوتی بین دولت حزبی ناتوان- ارتش و بخش امنیتی موسوم به آی‌اس‌آی قائل نیست، واقعیت مهم‌تری را نادیده می‌گیرد و آن تلاش مشترک آمریکا، اسرائیل، عربستان سعودی و امارات متحده عربی است که درصددند با دیپلماسی «دلار» پاکستان را در شرایط اضطراب با موضع ضدایرانی براندازانه همراه کنند. منافع ملی و امنیتی پاکستان در همراهی با این روند خطرناک برای کل منطقه و جهان اسلام نیست و مجموعه حاکمیت در پاکستان به این واقعیت آگاهی دارد اما هیچ تضمینی وجود ندارد که وقتی ما کل حاکمیت را در پاکستان یکدست و همراه با جریان برانداز تصور کنیم و از زبان تهدید بهره بگیریم، این کشور را در معرض سقوط در دام پهن‌شده علیه ایران قرار ندهیم. این یک خطای راهبردی است که باید از آن پرهیز جدی کرد. منافع ملی و امنیتی پاکستان حفظ سیاست متوازن گذشته در مناسبات با ایران و عربستان هر دو است. کلیت حاکمیت در پاکستان این سیاست را به درستی درک می‌کند و همین درک است که پاکستان را در جایگاه میانجیرکنای قرار می‌دهد. سوق‌دادن پاکستان به ائتلاف عربی- اسرائیلی- آمریکایی خطای راهبردی است که تحت هیچ شرایطی نباید تن به آن داد. در مورد افغانستان و مناطق هم‌جوار با شرق ایران همین واقعیت حتی پررنگ‌تر از آن وجود دارد.

پنجم: این پرسش بسیار مهم و حیاتی است؛ راستی چه باید کرد؟! چند نکته مهم وجود دارد: ۱- نگاه صرفا نظامی در جغرافیای شرق کشور و امتداد آن در مناطق مرزی ولایت‌های هم‌جوار افغانستان و ایالت بلوچستان پاکستان پاسخگو نیست و راه‌حل قطعی و پایدار به دست نمی‌دهد. زبان تهدید نسبت به همسایگان کم‌اقتدار در این منطقه جغرافیایی خطای راهبردی است. منطقه را باید یکپارچه دید و راه‌حلهای بلندمدت در نگاهی توسعه‌ای را مدنظر قرار داد. ایران می‌تواند با امکانات مادی و انسانی آن را در اختیار دارد و باید در نگاه واقع‌بینانه تمدنی- اسلامی- ایرانی به منطقه نگاه کند و طرح‌های مشترک توسعه‌ای- رفاهی را در ارتباط با اهل سنت و قومیت‌های ساکن در این جغرافیا بدون تبعیض قومی و مذهبی عملیاتی کند.

۲- پاکستان و افغانستان دو همسایه با اقتدار کم در جوار ایران در معرض سقوط در دیپلماسی «دلار» عربستان سعودی، امارات متحده عربی، آمریکا و اسرائیل قرار دارند. صورت‌بندی رقابت‌های سیاسی ایدئولوژیک‌شده در قالب شیعه و سنی، هدف براندازان گفتمان انقلاب اسلامی است و به طور جد باید از این دام فاصله گرفت.

۳- برطرف‌کردن احساس تبعیض قومی و مذهبی و برنامه‌ریزی در جهت قراردادن کل منطقه و جغرافیای سیستان وبلوچستان، خراسان جنوبی، جنوب استان کرمان و هرمزگان در مدار توسعه متوازن و تلاش در جهت کاهش فاصله توسعه این جغرافیا با مرکز و سایر مناطق برخوردار کشور الزامی است و زمینه رشد جریان‌های افراطی با طرح ادعاهای تأمین حقوق قومی و مذهبی را از بین خواهد برد.

۴- بندر چابهار یک فرصت طلایی در دوران خاص و بدین تکرار تاریخی است که می‌تواند نه‌تنها محور شرق و جنوب تحد ایران را در مدار توسعه متوازن و همه‌جانبه قرار دهد بلکه با قابلیت خط ترانزیت افغانستان و پنج کشور سیاسی مرکزی را از محاصره‌شدگی در خشکی نجات دهد و توسعه را در کل حوزه تمدنی- اسلامی- ایرانی تسهیل کند.

اما به روشنی باید گفت که فرصت طلایی و تاریخی چابهار را نمی‌توان بدون درنظرگرفتن مردم بومی در گستره شرق ایران و در مناسباتی ناروشن و شایعه‌پذیر به فرصتی واقعی تبدیل کرد. حتی ممکن است اگر همین روند ادامه یابد که در عمل چابهار مرفه در منطقه آزاد و فقیر در منطقه بومی که نباید آمارهای انتشاریافته چابهار را به صورت پرجمعیت‌ترین شهر حاشیه‌نشین تبدیل کرده است، چابهار به جای فرصت با گذشت زمان تبدیل به تهدید خواهد شد.

۴- تلاش جهت حفظ موضع کنونی پاکستان و پرهیز از سوق‌دادن کامل آن به طرف ائتلاف موردنظر گفتمان برانداز الزامی است. ایران و پاکستان منافع مشترک و تهدید مشترک دارند. در نگاهی فرافکنانه قراردادن پاکستان در کنار عربستان سعودی و امارات متحده عربی به عنوان مقصران اصلی عملیات ترویستی جاده خاش- زاهدان نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند که سوق‌دادن پاکستان به ائتلاف برانداز را تسریع خواهد کرد.

۵- واقعیت آن است که اصل رقابت‌های منطقه‌ای میان ایران و عربستان سعودی، سیاسی و براساس الگوی اسلامی قدرت است. هر دو کشور الگوی خود را در قالب اسلام ناب راه‌حلی می‌دانند که به عنوان قدرت مشروع اسلامی قابل ارائه به جهان اسلام است. نیاز متقابلی وجود دارد که رقابت‌های ایدئولوژیک را به سطح رقابت‌های سیاسی بازگرداند. برندگان این صورت‌بندی رقابت‌های موجود خطرناک و به زبان ساده، عامل تفرقه و منافع آن در جیب اسرائیل و آمریکا ریخته خواهد شد. و کلام پایانی و تکرار پرسش اول آیا ایران با چشمانی باز دام گسترده‌شده برانداز را خواهد دید و از آن فاصله خواهد گرفت یا پاکستان را به موضعی سوق خواهد داد که گوشه این دام را بگسترد و گسترده‌تر کند؟